

تحلیلی بر سیره پیامبر اعظم (ص) در مواجهه با تعصب های نابجا

حسین عبدالحمیدی (نویسنده مسئول) / جعفر پاکباز / سید علی غضنفری^۳

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/SKH.2021.5489](https://doi.org/10.22034/SKH.2021.5489)

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۲۵. تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۱/۲۷

نوع مقاله: ترویجی

چکیده

یکی از ناهنجاری های فرهنگی که قبل از اسلام در جامعه حجاز شایع بود و مشکلات اجتماعی بزرگی پدید آورده بود؛ عصبیت و حمیت نابجا به قوم، نژاد، زبان و عقاید بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گرچه قبل از بعثت نیز با شرکت در حلف الفضول (پیمان جوانمردان) عملاً مخالفت خود را با این اخلاق جاهلی نشان داده بود، اما بعد از بعثت با دو شیوه «فرهنگ سازی» و «اقدامات عملی» در محو آن کوشش نمود. در حوزه فرهنگ سازی یک هویت جدید بر اساس یکتاپرستی برای مسلمانان تعریف کرد تا همه آنان از هر قبیله و نژاد تحت لوای آن جمع شوند. و معیارهای جدیدی برای ارزش گذاری تعریف کرد. و به آنان آموخت چگونه کرامت انسان ها و حقوق آنان را پاس بدارند. و با بیان آثار سوء عصبیت جاهلی، مردم را از دامن زدن به آن انذار داد. و در حوزه عمل نیز قدم هایی برداشت که به اصلاح رفتار مردم کمک کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله با رفتار منطقی و دور از تعصب خود با یاران و اطرافیانش، به آنان نشان

۱ - دانشیار گروه تاریخ، جامعه المصطفی (ص) العالمیه Hoseinmohammadi31@yahoo.com

۲ دانشجوی ارشد مؤسسه امام رضا علیه السلام Pakbaz80@gmail.com

۳ - سطح ۴ حوزه علمیه قم، Ammar30113@yahoo.com

داد که در مکتب او عصبیت های قومی، قبیله‌ای و نژادی جایی ندارد؛ و با پیمان عمومی در مدینه بجای پیمان‌های قبیله‌ای به ایجاد امت واحد اقدام کرد؛ و با پیمان اخوت بین مسلمانان این هویت جدید را تثبیت نمود؛ و با انتخاب کارگزاران شایسته و برجسته‌سازی اصحاب مؤمن و لایق از قبائل گوناگون و ملیت‌های مختلف، الگوی عملی به آنان نشان داد. و با تکریم بانوان و رعایت حقوق آنان به رفع تعصبات جنسیتی اقدام کرد.

کلیدواژه‌ها: پیامبر اکرم، سیره، تعصب، حمیت

مقدمه

تعصب غیرمنطقی به قبیله، نژاد، منطقه، زبان و حزب، از مسائلی است که از گذشته‌های دور تاکنون در بین ملت‌ها مطرح بوده و صدمات زیادی بر بشریت وارد کرده است. این مسأله قبل از اسلام در منطقه حجاز شیوع داشته و باعث مشکلات اجتماعی فراوانی بوده است. با ظهور اسلام، پیامبر اکرم (ص) با تعریف هویت جدید دینی که بر پایه اخلاق و انسانیت بنا شده بود، تلاش کرد تعصبات نابجا را کاهش دهد؛ اما با رحلت آن حضرت و مهجوریت اهل بیت علیهم السلام و حاکمیت امویان مجدداً این خصلت جاهلی به جامعه اسلامی بازگشت. و در طول تاریخ اسلام با شدت و ضعف ادامه یافت. حتی در عصر حاضر علی‌رغم رشد علمی و معنوی مسلمانان، هنوز به‌عنوان یک عامل اساسی در جنگ‌ها و کشمکش‌های مختلف در جهان اسلام مؤثر است. مستکبران و معاندان نیز همواره از این عامل برای ایجاد اختلاف و درگیری بین مسلمانان سود جست‌ه‌اند.

در عصر حاضر نژاد پرستی و تعصبات قبیله‌ای در جهان اسلام بطور جدی مطرح است حتی در برخی از کشورهای اسلامی بر خلاف باورهای دینی به‌جای سؤال از شخصیت علمی و معنوی افراد، اولین پرسشی که از آنان می‌شود پرسش از قبیله و نژاد آنان است؛ و استعمارگران نیز برای ایجاد تفرقه در جهان اسلام روی هویت‌های قومی، نژادی، زبانی، منطقه‌ای، مذهبی و حزبی تکیه می‌کنند. مطرح‌شدن پان‌عربیسم، پان‌ترکیسم، پان‌کردیسم و حمایت از گروه‌های افراطی مذهبی توسط آنها در همین راستا انجام می‌گیرد.

این حقیقت تلخ نشان‌دهنده فاصله‌ای است که مسلمانان با اسلام و ارزش‌های دینی پیدا کرده‌اند. اسلام روی هویت اخلاقی و دینی تأکید کرد و هویت‌های دیگر را به حاشیه راند. پیامبر اکرم (ص) نیز شدیداً با تعصبات نابجا و جاهلی مبارزه کرد. ایشان با زیر پا گذاشتن عصبیت‌های

نابجای قومی و منطقه ای سلمان را (که یک ایرانی بود) به خاطر دین و اخلاقش از اهل بیت شمرد^۱ و ابولهب (که عموی خودش بود) به خاطر کفرش از خود دور کرده و به دستور قرآن او را مورد نفرین قرارداد^۲

درباره پیشینه تحقیق در این مسأله، یاد آوری می شود که این قلم پیشینه مستقلى برای آن پیدا نکرده است؛ گرچه به صورت پراکنده و به عنوان بخشی از سیره نبوی در منابع تاریخی و روایی مطالبی وجود دارد.

مفهوم شناسی واژه تعصب

واژه «تعصب» از ماده «عَصَب» به معنی پی‌هایی است که مفاصل را به هم ارتباط می‌دهد. از همین باب هرگونه ارتباط و به هم‌پیوستگی را تعصب و عصبیت نامیده‌اند.^۳

در قرآن کریم نیز به معنای پیوند محکم و سخت آمده است. مؤلف قاموس قرآن می‌نویسد: عَصَب: (بر وزن فَرَس) معسوب: بسته‌شده با رگ. آنگاه به هر بستن عصب گفته‌اند. یَوْمَ عَصِيبُ یعنی شدید (گوئی اطراف آن با مشکلات جمع و بسته‌شده است) عَصِيبُ یک‌بار و عَصَبَةٌ چهار بار در قرآن آمده است: یوسف، ۸ و ۱۴؛ نور، ۱۱؛ قصص، ۴۷۶.

تعصب را فی‌نفسه نمی‌توان مذموم دانست. اگر به صفات و کارهای خوب تعلق بگیرد مملوح و پسندیده است؛ و اگر به صفات و کارهای بد تعلق بگیرد مذموم و ناپسند است. به همین جهت علی‌السلام می‌فرماید: فَإِنْ كَانَ لَا بُدَّ مِنَ الْعَصِيبِ فَلْيُكُنْ تَعَصُّبُكُمْ لِمَكَارِمِ الْخِصَالِ وَمَحَامِدِ الْأَفْعَالِ وَمَحَاسِنِ الْأُمُورِ الَّتِي تَفَاضَلَتْ فِيهَا الْمُجَدَّاءُ وَالنُّجَدَاءُ مِنَ بِيُوتَاتِ الْعَرَبِ وَيَعَاسِبِ الْقَبَائِلِ بِالْأَخْلَاقِ الرَّغِيبَةِ وَالْأَحْلَامِ الْعَظِيمَةِ وَالْأَخْطَارِ الْجَلِيلَةِ وَالْآثَارِ الْمَحْمُودَةِ؛^۴ اگر بنا به تعصب باشد باید تعصب شما برای صفات پسندیده و کردارهای شایسته و امور نیکی باشد که بزرگان و دلیران از خاندان‌های ریشه‌دار عرب و رؤسای قبایل به آن‌ها برتری می‌طلبند؛ به اخلاق خوب و اندیشه‌های بزرگ و مقامات بلند و آثار ستوده تعصب بورزید. به خصلت‌های بالارزش که عبارت

۱. ابن حیون، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام، ج ۳، ص: ۱۴؛ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲ ص ۶۴.

۲. تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ؛ بریده باد دودست ابولهب و مرگ بر او باد. (مسد، ۱)

۳. طریحی، مجمع البحرین ج ۲، ۱۲۱؛ فراهیدی، کتاب العین ج ۱، ۳۰۸.

۴. قرشی بنایی، قاموس قرآن، ج ۵، ص: ۵.

۵. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

است از حفظ حقوق همسایه‌ها، وفای به عهد پیروی نیکی، روی گرداندن از کبر، توسل به احسان و بخشش، خودداری از تجاوز، مهم شمردن قتل نفس، انصاف دادن به خلق خدا، فروخوردن خشم و اجتناب از فساد در روی زمین.

همچنین هنگامی که مردم را از تعصبات جاهلی بر حذر می‌دارد می‌فرماید: فَأَطْفُوا مَا كَمَنَ فِي قُلُوبِكُمْ مِنْ نِيرَانِ الْعَصَبِيَّةِ وَأَحْقَادِ الْجَاهِلِيَّةِ فَإِنَّمَا تِلْكَ الْحَمِيَّةُ تَكُونُ فِي الْمُسْلِمِ مِنْ خَطَرَاتِ الشَّيْطَانِ وَنَخْوَاتِهِ وَنَزَعَاتِهِ وَنَفَثَاتِهِ؛ شراره‌های تعصب و کینه‌های جاهلی را که در قلب دارید خاموش سازید که این نخوت و حمیت و تعصب ناروا در مسلمانان از القائات و نخوت و وسوسه شیطان است.

امام سجاد علیه‌السلام با تفکیک معنای تعصب منفی از معنای ممدوح می‌فرماید: الْعَصَبِيَّةُ الَّتِي يَأْتِمُّ عَلَيْهَا صَاحِبُهَا أَنْ يَرَى الرَّجُلَ شِرَارَ قَوْمِهِ خَيْرًا مِنْ خِيَارِ قَوْمِ آخِرِينَ وَ لَيْسَ مِنَ الْعَصَبِيَّةِ أَنْ يُحِبُّ الرَّجُلُ قَوْمَهُ وَ لَكِنْ مِنَ الْعَصَبِيَّةِ أَنْ يُعِينَ قَوْمَهُ عَلَى الظُّلْمِ؛ تعصبی که انسان به خاطر آن گناهکار می‌شود این است که اشرار قومش را بهتر از نیکان قوم دیگر بداند اما اینکه انسان قوم و قبیله خویش را دوست بدارد عصبيت نیست، عصبيت آن است که انسان قوم و قبیله خود را در ستمگری یاری دهد.

حمیت و اژه‌ای همسو با تعصب

واژه حمیت همسو با واژه تعصب است. "حمیت" در اصل از ماده "حَمَى" به معنی حرارت است و سپس در معنای غضب و به معنای نخوت و تعصب آمیخته با غضب به کار رفته است. این واژه گاه در معنای منموم (توأم با قید جاهلیت، یا بدون آن) و گاه در معنی ممدوح و پسندیده به کار رفته است؛ و اشاره به غیرت منطقی و تعصب در امور مثبت و سازنده است.^۳

خداوند می‌فرماید: إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ؛^۴ به خاطر بیابورید هنگامی را که کافران در دل‌های خود خشم و عصبيت جاهلی داشتند.

علی علیه‌السلام به هنگام انتقاد از بعضی از یاران سست‌عنصر خود می‌فرماید: أَمَا دِينَ

۱. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۲

۲. کلینی، الکافی، ج ۳، ص: ۷۵۲

۳. ازهری، تهذیب اللغة، ج ۵، ص: ۱۷۷.

۴. فتح، ۲۶

يَجْمَعُكُمْ وَلَا حَمِيَّةَ تَشْحَذُكُمْ^۱؛ آیا دین ندارید که شمارا جمع کند؟ یا غیرتی که شمارا بخشم آورد؟ (و به انجام وظائف وادارد).

بنابراین واژه حمیت همانند تعصب به معنای غیرت و حساسیت نشان دادن و حمایت کردن است. اگر این حمایت و غیرت بر اساس حق و عدالت باشد ممنوع، و اگر بر اساس باطل و ظلم باشد منموم خواهد بود.

مقصود ما از تعصب و حمیت در این مقاله معنای منموم آن‌ها است که قرآن با تعبیر «حَمِيَّةً الْجَاهِلِيَّةَ» از آن یاد می‌کند همان معنایی که پیامبر اکرم (ص) در جواب وائله بن الاسقع بیان فرمود. او از رسول خدا درباره عصبیت پرسید حضرت جواب داد: أَنْ تُعِينَ قَوْمَكَ عَلَى الظُّلْمِ^۲؛ اینکه خویشاوندان خود را در ستم به دیگران یاری کنی. این عصبیت همان معنایی است که پیامبر هرروز از آن به خدا پناه می‌برد^۳.

انواع تعصب

تعصب از یک منظر به چند نوع تقسیم می‌شود:

۱. قبیله‌ای

تعصب قبیله‌ای به این معنا است که انسان به خوب و بد قبیله خودش علاقه داشته باشد و از حق و باطل ایشان دفاع کند. همانند آنچه در عصر جاهلیت بین قبائل وجود داشت. به‌عنوان مثال اگر فردی از قبیله‌ای کسی را می‌کشت، قبیله مقابل تا جایی که می‌توانست از قبیله قاتل را می‌کشت. این مورد اعتراض قرآن قرار گرفت: فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ^۴؛ در قتل اسراف نکنید (یکی در مقابل یکی، نه بیشتر).

۲. ملی

تعصب ملی به معنای حساسیت و علاقه بیش از حد به وطن و کشور است. به‌نحوی که

۱. نهج البلاغه، خطبه ۳۹

۲. ابی داود، سنن، ج ۴، ص: ۲۱۸۰

۳. «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَتَعَوَّذُ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ سِتِّ خِصَالٍ مِنَ الشُّكِّ وَالشَّرِكِ وَالْحَمِيَّةِ وَالنَّغْصِ وَالْبَغْيِ وَالْحَسَدِ» صدوق، الخصال، ج ۱،

ص: ۳۲۹

۴. اسراء، ۳۳

خوبی ملت‌های دیگر را نادیده بگیرد و حاضر باشد برای پیشبرد کشور خودش حقوق دیگر ملت‌ها را پایمال کند.

امروزه این نگرش با عنوان «ناسیونالیسم» یا «ملی‌گرایی» شناخته می‌شود. شهید مطهری در این باره می‌نویسد: ناسیونالیسم یا ملت‌گرایی، در اندیشه واضعان غربی‌اش یعنی مردمی را که در قالب مرزهای جغرافیایی معین، نژاد و سابقه تاریخی و زبان و فرهنگ و سنن واحد گرد آمده‌اند به‌عنوان یک واحد تفکیک‌ناپذیر، مبنا و اصل قرار دادن و آنچه را در حیطه منافع و مصالح و حیثیت و اعتبار این واحد قرار گیرد، خودی و دوست دانستن و بقیه را بیگانه و دشمن خواندن.^۱

۳. حزبی

یکی از انواع تعصب، تعصب حزبی و سازمانی است. اینکه هر چه حزب می‌گوید چشم‌پسته قبول کند و برای پیشبرد اهداف حزب هر گناهی مرتکب شود. این همان تعصبی است که انسان را از مسیر حق بازمی‌دارد. قرآن می‌فرماید: **كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ**^۲؛ یعنی هر حزبی به آنچه دارد شاد می‌شود.

۴. زبانی

نوع دیگری از تعصب، تعصب به زبان است. شاید بتوان این نوع تعصب را از جلوه‌های تعصب قبیله‌ای به شمار آورد؛ اما مستقلاً نیز قابل طرح است. برخی به زبان خودشان تعصب داشته و حرف باطل هم‌زبان خود را بهتر از حرف درست اقوام دیگر پذیرا هستند. خلوند متعال درباره تعصب برخی از اعراب می‌فرماید: اگر قرآن به زبان دیگری غیر از عربی نازل شده بود نمی‌پذیرفتند: **وَ لَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ**^۳؛ هرگاه ما آن را بر بعضی از عجم [= غیر عرب] ها نازل می‌کردیم، و او (پیامبر) آن را بر ایشان می‌خواند به آن ایمان نمی‌آوردند!

۱. مرتضی مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران ص ۱۹

۲. مؤمنون، ۵۳

۳. شعراء، ۱۹۸

۵. تعصب به پیشینیان

جمود فکری و تعصب به آداب و سنن پیشینیان یکی از انواع عصبیت نابجا است. قرآن کریم یکی از عوامل مخالفت عده ای از اعراب با پیامبر اکرم (ص) و عدم پذیرش اسلام را جمود فکری و پیروی از پیشینیان می‌داند: «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْطُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ؛ و هنگامی که به آن‌ها (مشرکان) گفته شود: آنچه را خدا نازل کرده است پیروی کنید گویند؛ بلکه ما از آنچه پدران خود را بر آن یافتیم پیروی می‌نماییم. آیا (از آنان پیروی می‌کنند) هر چند پدرانشان چیزی نمی‌فهمیدند و هدایت نیافته بودند؟».

۶. جنسیتی

یکی از انواع تعصب، عصبیت جنسیتی است که در عصر حاضر جریان فمینیسم را می‌توان نوعی عصبیت جنسیتی شمرد. این جریان به خاطر ظلم‌های تاریخی که نسبت به جنس مؤنث شده^۲، به‌طور جدی در دنیای معاصر فعال است تا بتواند حقوق زنان را احیاء کند؛ اما در مواردی موجب خروج از عدالت و حق می‌شوند.

۷. نژادی

عصبیت نژادی مبتنی بر تفاوت‌های ظاهری و فیزیکی است. اینکه نژادی خود را بخاطر تفاوت‌های فیزیکی برتر از دیگران بداند. این نوع از عصبیت در طول تاریخ مطرح بوده و هست.

مواجهه رسول خدا (ص) با عصبیت های نابجا

همان‌طور که قبلاً اشاره شد عصبیت‌های نابجا در طول تاریخ بین ملل مختلف کم یا زیاد وجود داشت اما این خصیصه منفی در میان اعراب جلوه بیشتری داشته است^۳. تعصب به قبیله،

۱. بقره، ۱۷۰.

۲. قرآن کریم نمونه‌هایی از ستم به زنان را در عصر جاهلی یادآوری کرده است. ر.ک. نساء، ۷؛ اسراء، ۳۱؛ نحل، ۵۸؛ تکویر، ۹.

۳. ر.ک. شعراء، ۱۹۸ و نهج البلاغه، خطبه‌های ۲۶، ۳۶ و ۹۵.

زبان، جغرافیا و پیشینیان در حجاز بسیار شایع بود. به همین جهت، علی علیه السلام در روایتی، برای هر صفتی که موجب عقوبت الهی است یک صنف یا قوم را به عنوان نمونه ذکر کرده و عصیبت را از ویژگی اعراب معرفی کرده است.^۱

پیامبر اکرم گرچه قبل از بعثت نیز با شرکت در حلف الفضول^۲ مخالفت عملی خود را با تعصب نابجا نشان داد، اما پس از بعثت، در پرتو تعالیم اسلام هویت جدیدی برای مردم تعریف کرد و رسماً با تعصبات نابجا مبارزه کرد. ایشان عصیبت‌هایی که بر اساس باطل و ناروا بود ملغی اعلام نموده و فرمود: لَيْسَ مِنَّا مَنْ دَعَا إِلَى عَصَبِيَّةٍ، وَ لَيْسَ مِنَّا مَنْ قَاتَلَ عَلَى عَصَبِيَّةٍ، وَ لَيْسَ مِنَّا مَنْ مَاتَ عَلَى عَصَبِيَّةٍ^۳؛ از ما نیست کسی که به عصیبت فراخواند و از ما نیست کسی که در راه عصیبت بجنگد و از ما نیست کسی که با برخورداری از عصیبت بمیرد.

پیامبر اکرم تعصب نابجا را یکی از بلاهای دائمی می‌دانست که همواره جامعه بشری را تهدید می‌کند؛ و از همان روزهای نخست بعثت درصدد از بین بردن آن بود. مواجه پیامبر اکرم (ص) با مسأله تعصب در دو بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد: ۱. فرهنگ‌سازی ۲. اقدامات عملی و نشان دادن الگوهای عینی.

۱. فرهنگ‌سازی

هر تحول اجتماعی که مبتنی بر تغییر فرهنگ نباشد ناپایدار است. به همین جهت پیامبر اکرم برای ایجاد یک تحول بنیادین اجتماعی، فعالیت خود را از تغییر فرهنگ آغاز کرد.^۴ در این مجال مهم‌ترین اقداماتی که پیامبر در این جهت انجام داد را مرور می‌کنیم:

۱. «إِنَّ اللَّهَ يُعَذِّبُ السَّيِّئَةَ بِالسَّيِّئَةِ؛ الْعَرَبَ بِالصَّيْبَةِ وَ الدَّهَاقِينَ بِالْكِبْرِ وَ الْأُمَّرَةَ بِالْجَوْرِ وَ الْفُقَهَاءَ بِالْحَسَدِ وَ التَّجَارَ بِالْخِيَانَةِ وَ أَهْلَ الرِّسَالَةِ بِالْجَهْلِ» بقری، المحاسن، ج ۱، ص: ۱۰؛ کلینی، الکافی، ج ۱۵، ص: ۳۸۷. مرحوم مجلسی می‌گوید: «قوله عليه السلام: "بالعصبيّة" أي التعصب في الباطل». مجلسی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۲۶، ص: ۲۷.

۲. ابن هشام، السيرة النبوية، ج ۱، ص: ۱۳۴.

۳. ابی داود، سنن، ج ۴، ص: ۲۱۸۰.

۱. جامعه شناسان فرهنگ را در چهار لایه ی مرتبط با هم طبقه بندی کردند که هر لایه ای از آن در لایه های بعدی تأثیر دارد و به نحوی سازنده آن است. چهار لایه فرهنگ عبارتند از: باورهای بنیادین؛ ارزش‌ها؛ رفتارها و نمادها. باورهای بنیادین یا «جهان بینی» که درونی ترین لایه فرهنگ شمرده می‌شود، بر سایر لایه ها تأثیرگذار است و لایه نمادها که شامل زبان، ادبیات، هنر و مانند آن، می‌باشد، بیرونی ترین لایه نظام فرهنگی محسوب می‌گردد. ر.ک. عماد افروغ، فرهنگ شناسی و حقوق فرهنگی، ص ۱۹-۲۰؛ عمت الله فاضلی، محمد فاضلی، فرهنگ و توسعه، ص ۸۸.

الف: تعریف هویت جدید

پیامبر (ص) برای محو عصبیت قومی و طایفه‌ای که جامعه حجاز بر آن اساس شکل گرفته بود، ابتدا یک هویت جدید بر اساس توحید و پرستش خدای یگانه تأسیس کرد. و مسلمانان از هر نژاد و قبیله را برادران یکدیگر معرفی کرد: **أَنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ**؛ همانا مؤمنان برادران یکدیگرند و قرآن کریم یکی از نعمت‌هایی که به برکت بعثت پیامبر در جامعه حجاز بوجود آمد همین امر می‌داند و می‌فرماید: **وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا** و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آنگاه که دشمنان یکدیگر بودید پس خلواند میان دل‌هایتان الفت انداخت و در سایه نعمت او برادران یکدیگر شدید^۱.

همچنین بر اساس آیات قرآن، آنان را از هرگونه فرقه‌گرایی و چنددستگی نهی کرد: **أَنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِبَعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ**؛ مسلماً کسانی که دینشان را بخش‌بخش کردند و گروه‌گروه شدند تو را هیچ پیوندی با آنان نیست. و همه مسلمانان را تحت یک پرچم و یک امت قرار داد: **وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ**؛ این (پیامبران بزرگ و پیروانشان) همه امت واحدی بودند (و پیرو یک هدف)؛ و من پروردگار شما هستم. پس مرا پرستش کنید!

ب: تغییر معیارهای ارزش‌گذاری

پیامبر (ص) با اعلام همگانی اصل برابری انسان‌ها در خلقت، دیدگاه طبقاتی و نژادی و بالتبع مناسبات برخاسته از آن را که معیار عمل اکثر مردم حجاز بود، باطل اعلام کرد. آن حضرت با بیان معیارهای ارزشی درست، تفاوت قبیله‌ای و نژادی افراد را امری فرعی و صرفاً برای شناسایی افراد معرفی کرد؛ و از جانب خلواند فرمود: **يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ**؛ ای مردم ما شما را

۱. حجرات، ۱۰

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۰۳

۳. انعام، ۱۵۹

۴. مومنون، ۵۲

۵. حجرات، ۱۳

از مرد و زنی آفریدیم و شمارا ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست بی تردید خداوند دانای آگاه است.

همچنین اعلام کرد: ای مردم خداوند تکبر و تفاخر به پدران و نیاکان را مردود می داند. شما همه، فرزندان آدمی و آدم از خاک آفریده شده است، بهترین بنده خدا، بنده‌ای است که تقوا داشته باشد.^۱

حضرت به دستور خداوند ایمان و عمل صالح را معیار فضیلت و برتری دانست. و وابستگی های قبیله ای، دینی و حزبی را در این امر موهوم شمرد: بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛^۲ آری، کسی که با اخلاص به خدا روی آورد و نیکوکار باشد پس پاداش او نزد پروردگار اوست، نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین خواهند شد. همچنین وابستگی های قومی و نژادی را موهوم اعلام کرد: يَا أَيُّهَا النَّاسُ، أَلَا إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَإِنِّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ أَلَا لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَىٰ عَجْمِيٍّ، وَلَا عَجْمِيٍّ عَلَىٰ عَرَبِيٍّ، وَلَا أَسْوَدٌ عَلَىٰ أَحْمَرَ، وَلَا لِأَحْمَرَ عَلَىٰ أَسْوَدٍ إِلَّا بِالْتَّقْوَىٰ؛^۳ ای مردم آگاه باشید پروردگار شما یکی است و پدر شما یکی است. آگاه باشید که هیچ عربی بر عجمی و هیچ عجمی بر عربی برتری ندارد. هیچ سیاهی بر سرخی و نه هیچ سرخی بر سیاهی برتری ندارد، مگر به تقوا.^۴

ابن عباس می گویند: پس از فتح مکه، پیامبر (ص) به بلال حبشی دستور داد که بالای کعبه رفته و اذان بگوید او اذان گفت. عتاب بن اسیدابی عیص گفت: خدا را سپاس که پدرم فوت کرده و نیست تا این روز را ببیند سپس حارث بن هشام گفت: محمد جز این کلاغ سیاه مؤذن دیگری را نیافت؟ ابوسفیان گفت: من چیزی نمی گویم. چون می ترسم پروردگار آسمان او را باخبر سازد. پس جبرئیل بر پیامبر (ص) نازل شده و از تفاخر به نسب و تکاثر اموال و کوچک شمردن فقیران منع کرد و اساس و ملاک برتری را تقوا اعلام فرمود.^۴

همچنین بدی را از هر کس ناپسند و مستحق کیفر دانست: بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ

۱. کلینی، الکافی، ج ۱۵، ص: ۵۵۹

۲. سوره البقره، آیه ۱۱۲

۳. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص: ۳۴

۴. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص: ۲۰۳؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص: ۲۰۹

خَطِيئَتُهُ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ؛ آری، هر کس بدی کسب کند و گناهش او را فراگیرد (و آثار گناهان سراسر وجودشان را بیپوشاند)، آنها اهل آتش‌اند و همیشه در آن خواهند بود.

ج: تبیین کرامت انسان

یکی از تعالیم پیامبر اکرم (ص) که در نفی تعصبات نابجا مؤثر بود تبیین کرامت انسان و ضرورت پاسداشت آن از طرف مسلمانان بود. خداوند متعال در این باره می‌فرماید: لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛ و همانا فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا (بر مرکب‌ها) حمل کردیم و از چیزهای پاکیزه روزی‌شان دادیم و آنان را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری کامل دادیم.^۲

یکی از آثار این پاسداشت کرامت انسانها برخورد عادلانه و دور از تعصب در تعامل با عموم مردم و خیانت نکردن به حق هیچ‌یک از انسان‌ها بود که در قرآن مکرر به آن سفارش شده است : وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ؛^۳ و بر اشیاء (و اجناس) مردم، عیب نگذارید؛ و از حق آنان نگاهید! و در زمین به فساد نکوشید!

د: حق مداری بجای عصبیت قبیله‌ای

پیامبر (ص) در راستای فرهنگ سازی برای از بین بردن تعصبات جاهلی، عدالت مداری و حق‌گرایی را مبنای زندگی معرفی کرده و از همه مسلمانان خواست زندگی خود را بر اساس این دو اصل بنا کنند و هرگز به خاطر علاقه به خویشان و نزدیکان از عدالت و تقوا خارج نشوند. خداوند متعال در این باره می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَ لَوِ عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَوْ الْوَالِدِينَ وَ الْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَ

۱. سوره البقره، آیه ۸۱

۲. سوره الإسراء، آیه ۷۰

۳. هود، ۸۵

۴. نساء، ۱۳۵

إِنْ تَلَوْا أَوْ تُعْرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا؛^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برپادارنده‌ی عدالت باشید و برای خدا گواهی دهید گرچه به ضرر خودتان یا والدین و بستگان باشد اگر (یکی از طرفین دعوا) ثروتمند یا فقیر باشد پس خداوند به آنان سزاوارتر است. پس پیرو هوای نفس نباشید تا بتوانید به عدالت رفتار کنید؛ و اگر زبان بیچانید (و به ناحق گواهی دهید) یا (از گواهی دادن به حق) اعراض کنید پس (بدانید که) خداوند به آنچه می‌کنید آگاه است.

پیامبر اکرم باتقواترین افراد را کسانی معرفی کرد که به حق عمل کنند: أَتَقَى النَّاسَ مَنْ قَالَ الْحَقَّ فِيمَا لَهُ وَ عَلَيْهِ؟^۲ باتقواترین مردم کسی است که همواره حق را بگوید. خواه به نفعش باشد یا به ضررش.

۵. بیان آثار سوء عصیبت های جاهلی

یکی از کارهایی که پیامبر (ص) برای محو عصیبت های جاهلی در جامعه انجام داد، بیان آثار سوء دنیوی و اخروی عصیبت بود. روایات فراوانی از پیامبر در این باره وجود دارد. برخی از آن‌ها را در مباحث قبل مرور کردیم در اینجا نیز به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

پیامبر اکرم فرمود: مَنْ تَعَصَّبَ أَوْ تَعَصَّبَ لَهُ، فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَ الْإِيمَانِ مِنْ عُنُقِهِ؛^۳ هر کس تعصب بورزد، یا دیگران به خاطر او تعصب بورزند رشته‌های ایمان را از گردن خود بازگردانده است. دربیانی دیگر نیز فرمود: مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ حَبَّةٌ مِنْ خَرْدَلٍ مِنْ عَصَبِيَّةٍ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ أَعْرَابِ الْجَاهِلِيَّةِ؛^۴ هرکسی در دلش به اندازه دانه خردلی عصیبت باشد خداوند روز قیامت او را با اعراب جاهلیت محشور می‌کند.

همچنین امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: کان رسول الله (ص) يتعوذ في كل يوم من ست خصال من الشك و الشرك و الحمية و الغضب و البغى و الحسد؛ پیامبر اکرم (ص) هرروز از شش چیز به خدا پناه می‌برد؛ از شک و تردید، شرک، حمیت و تعصب (ناجبا)، غضب، طغیان و حسد.^۵

۲. صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص: ۳۹۵

۳. کلینی، الکافی، ج ۳، ص: ۷۵۰

۴. همان، ج ۳، ص: ۷۵۰

۵. خصال، صدوق، ج ۱، ص ۳۲۹

در زمان پیامبر اکرم (ص) مؤمنان واقعی با الهام از همین فرمایشات، عصبیت‌های قومی و قبیله‌ای را کنار گذاشتند علی (علیه‌السلام) در این باره می‌فرماید: «لَقَدْ كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) نَقْتُلُ آبَاءَنَا وَ أَبْنَاءَنَا وَ إِخْوَانَنَا وَ أَعْمَامَنَا مَا يَزِيدُنَا ذَلِكَ إِلَّا إِيمَانًا وَ تَسْلِيمًا وَ مُضِيًّا عَلَى اللَّقْمِ وَ صَبْرًا عَلَى مَضَضِ اللَّأَلْمِ وَ جِنًّا فِي جِهَادِ الْعَوُو؛ ما (در میدان کارزار) با رسول خدا بودیم. پدران، پسران، برادران و عموهای خویش را می‌کشتیم و در خون می‌آلودیم. این خویشاوند کشتی (ما را ناخوش نمی‌نمود) بلکه بر ایمانمان می‌افزود، که در راه راست پابرجا بودیم، و در سختی‌ها شکیبا، و در جهاد با دشمن کوشا».

۲. اقدامات عملی

پیامبر اکرم برای محو تعصبات جاهلی و رها شدن مردم از عصبیت‌های نابجا عملاً نیر اقداماتی انجام داد. در اینجا مهم‌ترین آن‌ها را مرور می‌کنیم.

الف. رفتار بدون تعصب با بستگان و همنوعان

پیامبر اکرم (ص) در تعامل با بستگان و همنوعان بدون تعصب قومی و قبیله‌ای رفتار می‌کرد. او قبل از بعثت با جوانان باغیرت مکه پیمانی امضا کرد تا از مظلومان حمایت کنند؛ گرچه مظلوم فردی غریبه، و ظالم از قبیله خودشان باشد. اسم این پیمان را «حلف الفضول» گذاشتند چون دربردارنده موادی فراتر از پیمان‌های قبیله‌ای بود.^۱

امام سجاد علیه‌السلام در معرفی شخصیت پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «وَ حَارَبَ فِي رِضَاكَ أُسْرَتَهُ، وَ قَطَعَ فِي إِحْيَاءِ دِينِكَ رَحِمَهُ، وَ أَقْصَى الْأَدْنِيْنَ عَلَى جُحُودِهِمْ، وَ قَرَّبَ الْأَقْصَيْنِ عَلَى اسْتِجَابَتِهِمْ لَكَ، وَ وَالَّى فِيكَ الْأَبْعَدِينَ، وَ عَادَى فِيكَ الْأَقْرَبِينَ، وَ أَدَّابَ نَفْسَهُ فِي تَبْلِيغِ رِسَالَتِكَ»؛ در (راه) رضا و خوشنودی تو، با قبیله‌اش کارزار کرد و در زنده کردن دین تو، از خویشانش دوری گزید و نزدیکان را بر اثر انکارشان (نسبت به تو) دور گردانید و بیگانگان را به خاطر پذیرفتن دین تو نزدیک نمود و در راه تو با دورترین (مردم) دوستی کرد و درباره تو با نزدیک‌ترین (خویشان) دشمنی نمود، و در رساندن پیام تو، خود را خسته کرد و با دعوت به دین

۱. نهج البلاغه، خطبه ۵۶.

۲. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص: ۱۳۴.

۳. صحیفه سجادیه: دعای ۲

تو خود را به رنج افکند

پیامبر (ص) خطاب به فرزندان عبدالمطلب می‌فرمود: ایتونی بأعمالکم لآ بأحسابکم و أنسابکم؛ اعمال خود را نزد من بیاورید نه حسب و نسب خویش را.

همچنین پیامبر در نامه‌ای به عمرو بن حزم (کارگزارش در یمن) نوشت: ینهی إذا کان بین الناس هیچ عن الدعاء الی القبائل و العشائر، و لیکن دعاؤهم الی الله وحده لا شریک له، فمن لم یدع الی الله و دعا الی القبائل و العشائر فلیقطعوا بالسیف حتی یکون دعاؤهم الی الله وحده لا شریک له؛ هنگام درگیری و ستیز، مردمان را از فرا خواندن به نام قبایل و عشایر بازدارد، و باید مردم را تنها به سوی خداوند یگانه فراخوانند. چنانچه کسانی بجای فرا خواندن به سوی خدا، مردم را به قبیله‌ها و عشیره‌ها فراخوانند، باید آنان را با شمشیر گردن زند تا سرانجام، دعوت همگان به سوی خداوند یگانه بی‌انبار باشد.

پیروان حضرت رسول از ملل گوناگون بودند و همه آنان نزد پیامبر برابر بودند برتری آنان بر یکدیگر جز به تقوا سنجیده نمی‌شد. بر اساس گزارش بلاذری، هنگامی که رسول خدا (ص) در مکه به مسجدالحرام می‌رفت و می‌نشست، اصحابش از ملیت‌ها و اقوام گوناگون دور آن حضرت حلقه می‌زدند و به سخنانش گوش فرا می‌دادند.^۳

بلال بن رباح حبشی، برده سیاه‌پوستی بود که از جانب پدر و مادر، در زنجیر برده زادگی قرار داشت؛ یعنی پدر و مادرش هردو برده بودند.^۴ او در حکومت نبوی، خزانه‌دار مورد اطمینان پیامبر (ص) و سرور مؤذنان آن حضرت گردید.^۵ بلال که توانایی تلفظ «شین» را نداشت و به‌جای آن «سین» می‌گفت، مورد اعتراض منافقان قرار گرفت که چرا پیامبر (ص) بلال را مؤذن خود قرار داده است. رسول خدا فرمود «سین» بلال نزد خدا «شین» محسوب می‌شود. گرچه او به‌جای «شاهد»، «أسهد» می‌گوید ولی نزد خدا پذیرفته و قبول خواهد بود.^۶

در جنگ احد جوانی ایرانی در میان مسلمانان بود که پس از آن که ضربتی به یکی از افراد

۱. صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۳۵

۲. ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۲، ص: ۵۹۵؛ طبری، تاریخ الامم والملوک، ج ۳، ص: ۱۲۹

۳. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۵۶

۴. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۸۴؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص: ۱۷۴

۵. ابن اثیر، أسد الغابة، ج ۱، ص: ۲۴۳

۶. ابن فهد حلّی، عدّة الداعی و نجاح الساعی، ص: ۲۷

دشمن وارد آورد از روی غرور فریاد زد: خُذْهَا وَاَنَا الْعَلَامُ الْفَارِسِي؛ ضربت را از من تحویل بگیر که منم یک جوان ایرانی. پیامبر (ص) این سخن را شنید و از آنجاکه این اقدام را در تضاد با تعالیم اسلام می‌دید فوراً به آن جوان فرمود: چرا نگفتی: منم یک جوان انصاری؟! یعنی چرا به آیین و مسلکت مربوط است افتخار نکردی و پای تعصبات قومی و نژادی را پیش کشیدی؟ همچنین پیامبر اکرم (ص) با ازدواج خود با زنان متعدد از قبائل و اقوام گوناگون عصبیت های نژادی و قبیله ای جاهلی را زیر پا گذاشت.

ب. تشکیل امت واحده

پیمان نامه عمومی مدینه یکی از مهم‌ترین راهبردهایی است که رسول خدا (ص) برای تحقق همگرایی اجتماعی و از بین بردن تعصبات نابجا، در سال نخست هجرت میان مسلمانان، یهودیان و مشرکان یثرب منعقد نمود. در اولین ماده این پیمان نامه، تمام مسلمانان، امت واحده توصیف شده و در ماده دیگر آن، همه مؤمنان دارای سرنوشت مشترک و تک تک ایشان در جنگ و صلح شریک هم دانسته شده‌اند. محور وحدت و اتحاد در این پیمان نامه، خداوند متعال و رسول گرامی اسلام است که در صورت بروز اختلاف و تفرقه میان مسلمانان، باید به خدا و رسولش مراجعه شود. در جامعه‌ای که دولت نبوی بر آن حاکم است، مجموعه‌های غیرمسلمان نیز می‌توانند با امت اسلامی وحدت و همگرایی داشته باشند و از زندگی مسالمت‌آمیز بهره‌مند شوند. در پیمان نامه مدینه آمده است که یهودیان نیز می‌توانند با حفظ عقاید و آیین‌های دینی خود، همانند مسلمانان عضو جامعه بوده و از امنیت و آزادی برخوردار باشند.^۱

ج. پیمان اخوت و برادری

یکی از راهبردهای اساسی رسول خدا (ص) برای تحقق همگرایی و نفی تعصبات جاهلی، برقراری «پیمان برادری» میان مسلمانان از قبائل گوناگون بود؛ بدین گونه که ایشان میان هریک از اصحاب خود با دیگری «پیمان برادری» منعقد کرد و خود، علی (ع) را به برادری

۱. واقدی، المغازی، ج ۱، ص: ۲۶۱؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۵، ص: ۵۴.

۲. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص: ۵۰۱-۵۰۴.

برگزید. «پیمان اخوت» توسط رسول خدا (ص) با جدیت پیگیری و مورد اجرا قرار گرفت. آنجا که منقول است هیچ‌یک از مهاجران، بنون «برادر» و انباده نشد^۱. «مؤاخات» در مرحله نخست، دو به دو میان مسلمانان برقرار می‌شده ولی با نزول آیه «انما المؤمنون اخوه»^۲، برادری عمومی اعلام و مؤاخات وارد مرحله‌ای جدید شده و بر اساس مقتضیات زمان و سیر تکاملی جامعه مسلمانان، وحدت و همگرایی افزایش یافت. «مؤاخات» در ابتدا بر دویایه اساسی «حق» و «مواسات» بنیان نهاده شد^۳، ولی در مرحله دوم بر پایه ایمان به توحید اطاعت از فرمان‌های خداوندی، اقرار به نبوت پیامبر اعظم (ص) و عمل به آنچه او آورده است، برادرخوانده شده‌اند تا پشتیبان همدیگر باشند^۴.

ایشان از طریق مخدوش کردن پایه تفاوت‌های مالی و نژادی، از جمله ایجاد عقد اخوت میان بردگان مسلمان شده با مسلمانان سرشناس از انصار و مهاجر مانند اخوت بین بلال بن ریح (برده) و ابو رویحه^۵، حمزه (عموی پیامبر) با زید بن حارثه^۶ (غلام آزاد شده پیامبر) و ابوبکر بن ابی‌قحافه با خارجه بن زید^۷ عقد اخوت جاری کرد. پیامبر اکرم (ص) در این باره فرمود: الْمُسْلِمُونَ إِخْوَةٌ تَتَكَافَى دِمَاؤُهُمْ، وَ يَسْعَى بِنَمْتِهِمْ أَدْنَاهُمْ^۸؛ مسلمانان با یکدیگر برادرند و خون ایشان برابر است، پائین تر آنان بر عهده خود برای دیگران وفا کند و مسلمانان در مقابل غیر خود متفق‌اند.

د. گزینش کارگزاران بدون ملاحظات قبیله‌ای

گزینش کارگزاران از جمله زمینه‌هایی بود که پیامبر عملاً نشان داد که تعصبات قبیله‌ای و قومی در قاموس مدیریت ایشان جایی ندارد.

۱. بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۱، ص: ۲۷۱

۲. حجرات، ۱۰

۳. ابن حیب، المحبر، ص: ۷۰؛ بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۱، ص: ۲۷۰؛ ابن عبد البر، الدرر فی اختصار المغازی و السیر، ص: ۱۰۰

۴. طوسی، التبیان، ج ۹، ص: ۳۴۶

۵. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص: ۱۷۶

۶. بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۱، ص: ۲۷۰

۷. همان، ج ۱، ص: ۲۷۱

۸. کلینی، الکافی، ج ۲، ص: ۷۲۴، واقدی، المغازی، ج ۲، ص: ۸۳۶ (با اندکی تفاوت)

پس از فتح مکه جوان بیست‌ساله‌ای^۱ به نام عتاب بن اسید را که قرشی اموی بود والی مکه قرارداد. حضرت پس از صدور فرمان امارت مکه برای عتاب به او فرمود: ای عتاب می‌دانی تو را بر چه کسانی گماشتم؟ تو را برای بندگان خدای عزوجل گماشتم و اگر برای آنان بهتر از تو سراغ داشتیم، او را برایشان می‌گماشتم.^۲

همچنین پیامبر (ص) «بلال حبشی» را مؤذن ویژه مسجد خود قرارداد.^۳ و از «سلمان فارسی» تجلیل کرد و از مشورت‌های او در موقعیت‌های حساسی همانند جنگ خندق^۴ و غزوه طائف^۵ بهره گرفت؛ و به او مقام و منزلت والا می‌بخشید.^۶ زید بن حارثه را که غلامی آزاد شده بود، در چند سربیه به‌عنوان فرمانده برگزید^۷ و به‌این ترتیب نشان داد آنچه ملاک عزل و نصب کارگزاران است شایستگی‌های معنوی و توانمندی‌ها برای خدمت است؛ و عصیت قبیله‌ای جایی ندارد.

پیامبر (ص) در مواقع خطر نزدیکان خویش را به محیط خطر می‌فرستاد و هیچ امتیازی بر آنان نسبت به دیگران قائل نبود. علی علیه‌السلام درباره این اخلاق پیامبر خطاب به معاویه نوشت: کان رسول الله صلی الله علیه و آله إذا احمر البأس و أحجم الناس قدم أهل بيته، فوقی بهم أصحابه حر السیوف و الأسنه^۸؛ هرگاه جنگ بالا می‌گرفت و مردم از ترس واپس می‌رفتند رسول خدا صلی‌الله علیه و آله اعضای خاندانش را پیش می‌انداخت و به‌وسیله آن‌ها، یاران خود را از سوزش شمشیرها و نیزه‌ها حفظ می‌کرد.

۵. نفی تعصب جنسیتی

بر اساس گزارش‌های تاریخی در سرزمین حجاز قبل از بعثت نیز به زنان با دید تحقیر و خواری

۱. ابن کثیر، البداية و النهایة ج ۷، ص: ۳۴

۲. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۶، ص: ۵

۳. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص: ۵۰۹، ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص: ۱۷۶

۴. بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۱، ص: ۳۴۳

۵. واقدی، المغازی، ج ۳، ص: ۹۲۷

۶. «قال رسول الله صلی الله علیه و آله ص سلمان من أهل البيت». ابن فرات کوفی، تفسیر فرات کوفی، ص: ۱۷۱

۷. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص: ۳۷۳، واقدی، المغازی، ج ۱، ص: ۱ و ۵، بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۱، ص: ۳۷۷ و ۳۷۸، خلیفه بن خیاط،

تاریخ خلیفه، ص: ۳۹ و ۴۰

۸. نهج البلاغه، نامه ۹

نگریسته می‌شد؛ به گونه‌ای که از آغاز ولادت، مورد بی‌مهری قرار می‌گرفتند و مرد عرب جاهلی با شنیدن خبر تولد نوزاد دختر در خانواده‌اش، اندوه شدیدی از خود ابراز می‌کرد: *وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهَهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ...؛* و خویشان را [به خاطر شرمندگی] از افراد قبیله می‌پوشانید و به این فکر فرو می‌رفت که آیا آن را با خواری و ذلت نگه دارد یا در خاک پنهانش کند.

زننده به گور کردن دختران از حقایق تلخی است که در عرب جاهلی به‌طور گسترده رواج داشته است. تا جایی که صعصعه بن ناجیه در دوره اسلامی نزد رسول خدا (ص) آمد و ادعا کرد در جاهلیت سپید و شصت دختر را از زننده به گور شدن نجات داده است.^۱

با ظهور اسلام، قرآن کریم به‌عنوان قانون اساسی اسلام از چندراه جایگاه زن را ارتقا بخشید آفرینش مرد و زن را از سرشت واحد معرفی کرده^۲ و زن و مرد را در سرشت و حقیقت انسانی، مساوی و برابر شمرد و شخصیت انسان را مرهون روح او دانست که نه مؤنث است و نه مذکر. قرآن کریم با ارائه نگاهی استقلالی و با نفی «طفیلی» بودن وجود زن، برای هریک از دو جنس مرد و زن، ارزش مستقل در نظر گرفت. به این معنی که مرد بودن اولویتی ندارد بلکه مرد و زن مکمل یکدیگر می‌باشند.^۳ همچنین در جای‌جای قرآن کریم به این حقیقت اشاره شده است که از جهات مختلف تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد.^۴

رسول خدا (ص) با الهام از آیات قرآن کریم، فرهنگ جاهلی درباره زن را به چالش کشید او فرزندان دختر را مبارک دانست که موجب آرامش خانواده و برای پدرانشان «باقیات‌الصالحات» هستند^۵ و داشتن فرزند دختر را مورد تمجید قرارداد و برای آن فضیلت‌هایی را برشمرد.^۶

طی تمامی مراحل دعوت رسول خدا (ص) و تشکیل حکومت اسلامی نیز زنان حضور فعال داشتند. نقش کلیدی حضرت خدیجه در حمایت اقتصادی از نهضت پیامبر (ص) غیرقابل چشم‌پوشی است. در میان اولین دسته از مهاجران مسلمان به حبشه، زنان حضور چشمگیری داشتند که تعداد

۱. نحل، ۵۸ و ۵۹.

۲. ابن حبیب، المحبر، ص: ۱۴۱، ابن اثیر، أسد الغابۀ، ج ۲، ص: ۴۰۵.

۳. نساء، ۱؛ اعراف، ۱۸۹؛ نحل، ۷۳.

۴. بقره، ۱۸۷.

۵. غافر، ۴۰؛ نساء، ۱۹ و ۱۲۴؛ نحل، ۹۷؛ طلاق، ۲؛ بقره، ۲۲۸ و ۲۳۱؛ حجرات، ۱۳.

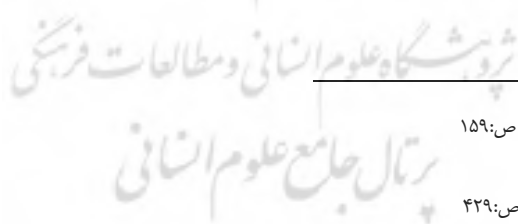
۶. نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، ص: ۱۱۵.

۷. ر. ک. به؛ کلینی، الکافی ج ۱۱، باب فضل البنات.

یازده مرد و چهار زن، در این هجرت شرکت کردند؛^۱ و نیز در مرحله دوم هجرت مسلمانان به حبشه، ۱۸ زن حضور داشتند.^۲

رسول خدا (ص) در موارد متعددی از جمله بیعت عقبه اول^۳، بیعت عقبه دوم^۴، بیعت رضوان^۵ و بیعتی که بعد از فتح مکه^۶ انجام شد، زنان را به عنوان بخشی از جامعه مسلمان، به طور فعال و بدون هیچ نوع تبعیضی شرکت دادند.^۷

هرچند شرایط جسمی زنان و مسئولیتی که در تربیت فرزند دارند به آنان اجازه نمی‌دهد که در عرصه‌های نظامی و مبارزه با شمشیر با مردان برابری کنند؛ با این وجود، گزارش‌های تاریخی از حضور نظامی زنان در صحنه‌های جهاد به شکل تدارکات^۸ و کمک‌رسانی به رزمندگان حکایت دارد. علی‌رغم اینکه شریعت اسلام حضور زنان را به عنوان رزمنده‌ای جنگی در میدان نبرد ممنوع اعلام نموده است، ولی در مواردی استثنایی شاهد حضور برخی بانوان در خط مقدم روبرویی نظامی با دشمنان هستیم.^۹ مشارکت زنان در فریضه امر به معروف و نهی از منکر، بیعت، هجرت و دیگر فعالیت‌های اجتماعی هم پای مردان در عصر رسالت، دلیل احترام پیامبر (ص) به حقوق و مقام زنان در حوزه عمومی است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص: ۱۵۹.
۲. همان، ج ۱، ص: ۱۶۲.
۳. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص: ۴۲۹.
۴. همان، ج ۱، ص: ۴۵۴.
۵. مفید، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۱، ص: ۱۱۹.
۶. ممتحنه، ۱۲؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص: ۱۸۸؛ واقدی، المغازی، ج ۲، ص: ۸۵۰.
۷. ر. ک. به؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص: ۳؛ (ذکر ما بایع علیه رسول الله. ص. النساء)
۸. واقدی، المغازی، ج ۱، ص: ۲۴۱ و ۲۴۹ و ۲۵۰ و ۶۸۵؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص: ۳۰۳ و ۳۳۳؛ ابن اثیر، أسد الغابه، ج ۶، ص: ۳۳۴.
۹. ابن عبد البر، الاستیعاب، ج ۲، ص: ۵۷۵.
۹. نظیر دفاع «نسیبه بنت کعب» از پیامبر (ص) که باعث شد دوازده زخم بردارد. واقدی، المغازی، ج ۱، ص: ۲۶۸.

نتیجه

واژه "تعصب" از ماده "عَصَب" به معنای پی‌هایی است که مفاصل را به هم ارتباط می‌دهد. در توسعه معنایی به هرگونه ارتباط و پیوند محکم و سخت اطلاق شده است. تعصب از نظر اسلام فی‌نفسه بد نیست اگر به صفات و کارهای خوب تعلق بگیرد ممنوع و پسندیده است؛ و اگر به صفات و کارهای بد تعلق بگیرد مذموم و ناپسند است.

در این مقاله تعصب به معنای مذموم آن در سیره نبوی مورد مطالعه قرار گرفت. و روشن شد تعصب نابجا به قبیله، نژاد، منطقه، زبان و حزب از مسائلی است که از گذشته‌های دور تاکنون در بین ملت‌ها مطرح بوده و صدمات زیادی بر بشریت وارد کرده است. این مسأله قبل از اسلام در منطقه حجاز نیز بسیار گسترده بوده است. پیامبر اکرم (ص) گرچه قبل از بعثت نیز با شرکت در حلف الفضول مخالفت خودش را با این خصلت جاهلی اعلام کرد؛ اما بعد از بعثت، با تعریف هویت جدید برای مسلمانان همه آنان را تحت لوای واحد جمع کرد و تعصبات قبیله‌ای را به حاشیه برد؛ و معیارهای جدیدی برای ارزش‌گذاری تعریف کرده و به مردم آموخت چگونه کرامت انسان‌ها و حقوق آنان را پاس بنارند؛ و بایبان آثار سوء عصبیت جاهلی، مردم را از گرفتار شدن به آن انذار داد؛ و با این امور در فرهنگ‌سازی برای محو تعصبات جاهلی نسبتاً موفق بود. همچنین اقدامات عملی پیامبر(ص) قدم مهمی در اصلاح رفتار جامعه بود. او با رفتار منطقی و دور از تعصب خود با اصحاب به آنان نشان داد در مکتب او تعصبات قومی و قبیله‌ای و نژادی جایی ندارد؛ و با پیمان عمومی در مدینه بجای پیمان‌های قبیله‌ای به ایجاد امت واحده اقدام کرد؛ و با پیمان اخوت بین مسلمانان یک هویت جدید برای مؤمنان به وجود آورد و با انتخاب کارگزاران شایسته، بدون توجه به نژاد و قبیله آنان و برجسته‌سازی اصحاب لایق از قبائل گوناگون، به نفی عصبیت‌های جاهلی کمک کرد. و با تکریم زنان و پاسداشت حقوق آنان، عصبیت جنسیتی را عملاً نفی کرد.

منابع

- قرآن

- نهج البلاغه

- صحیفه سجادیه

- ابن ابی الحدید عبد الحمید بن هبئه الله، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، تحقیق: ابراهیم، محمد ابوالفضل، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، قم، چاپ اول ۱۴۰۴ ق.
- ابن اثیر، أبو الحسن علی بن محمد الجزری، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، دار الفكر، بیروت، ۱۹۸۹.
- ابن حبيب، ابو جعفر محمد بن حبيب بن امیة الهاشمی البغدادی، المحبر، تحقیق ایلزة لیختن شتیتر، دار الآفاق الجديدة، بیروت، بی تا.
- ابن حجر، احمد بن علی بن حجر العسقلانی، الإصابة فی تمييز الصحابة، تحقیق عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، دارالکتب العلمیة، بیروت، ط الأولى ۱۴۱۵ ق.
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام، تحقیق: حسینی جلالی، محمد حسین، جامعه مدرسین، قم، چاپ اول ۱۴۰۹ ق.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، تصحیحو تحقیق: غفاری، علی اکبر، جامعه مدرسین، قم، چاپ دوم ۱۴۰۴ / ۱۳۶۳ ق.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل أبی طالب علیهم السلام، نشر علامه، قم، چاپ اول ۱۳۷۹ ق.
- ابن عبد البر، أبو عمر یوسف بن عبد الله بن محمد الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، تحقیق علی محمد البجاوی، دار الجیل، بیروت، ط الأولى ۱۴۱۲ ق.
- ابن عبد البر، ابو عمر یوسف بن عبدالله بن محمد اندلسی، الدرر فی اختصار المغازی و السیر، وزارت اوقاف مصر، قاهره، چاپ اول ۱۴۱۵ ق.
- ابن فهد حلّی، احمد بن محمد عدة الداعی و نجاح الساعی، تحقیق: موحدی قمی، احمد، دار الکتب الإسلامی، قم، چاپ اول ۱۴۰۷ ق.
- ابن کثیر، أبو الفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر الدمشقی، البداية و النهاية، دار الفكر، بیروت ۱۴۰۷ ق.
- ابوداود، سلیمان بن اشعث، سنن، شارح: سید سید محمد و عبدالخیر، عبدالقادر، تحقیق:

- ابراهیم، سید دار الحدیث، قاهره، چاپ اول ١٤٢٠ ه. ق.
- ابو عبدالله، محمد بن سعد بن منیع الهاشمی البصری، الطبقات الكبرى، تحقیق محمد عبد القادر عطا، دار الکتب العلمیة، بیروت، ط الأولى ١٤١٠ ق.
- ازهری، محمد بن احمد تهذیب اللغة، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول ١٤٢١ ق.
- افروغ، عماد، فرهنگ شناسی و حقوق فرهنگی، نشر فرهنگ و دانش، تهران، چاپ اول ١٣٧٩ ش.
- العسکری، امام حسن بن علی علیه السلام، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه السلام، تحقیق مدرسه امام مهدی علیه السلام، مدرسه الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، چاپ اول ١٤٠٩ ق.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد المحاسن، تحقیق: حدث، جلال الدین، دار الکتب الإسلامیة، قم، چاپ دوم ١٣٧١ ق.
- بلاذری، أحمد بن یحیی بن جابر، انساب الاشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، دار الفکر، بیروت، ط الأولى ١٤١٧.
- خلیفه بن خیاط، أبو عمرو خلیفه بن خیاط بن أبی هبیره اللیثی العصفری، تاریخ خلیفه، تحقیق فواز، دار الکتب العلمیة، بیروت، ط الأولى ١٤١٥.
- صدوق، ابو جعفر محمد بن علی، الامالی، نشر کتابچی، تهران، چاپ ششم ١٣٧٦ ش.
- صدوق، ابو جعفر محمد بن علی، الخصال، تحقیق: غفاری، علی اکبر، جامعه مدرسین، قم، چاپ اول ١٣٦٢ ش.
- صدوق، ابو جعفر محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تحقیق و تصحیح: لاجوردی، مهدی، نشر جهان، تهران، چاپ اول ١٣٧٨ ق.
- صدوق، ابو جعفر محمد بن علی، معانی الأخبار، تحقیق: غفاری، علی اکبر، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم، چاپ اول ١٤٠٣ ق.
- صدوق، ابو جعفر محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، تصحیح: غفاری، علی اکبر، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم، چاپ دوم ١٤١٣ ق.
- طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، لبنان - بیروت، چاپ دوم ١٣٩٠ ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح: یزدی طباطبایی،

- فضل الله - رسولی، هاشم، ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم ۱۳۷۲ ش.
- طبری، أبو جعفر محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوك، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، دار التراث، بیروت، ط الثانية ۱۳۸۷.
- طریحی، فخر الدین بن محمد مجمع البحرین، تصحیح و تحقیق: حسینی اشکوری، احمد نشر مرتضوی، تهران، چاپ سوم ۱۳۷۵ ش.
- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تصحیح: عاملی، احمد حبیب، مقدمه: آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ اول بی تا.
- عبد الملك بن هشام الحمیری المعافری، السیره النبویه، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبد الحفیظ شلیبی، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.
- عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تصحیح: رسولی محلاتی، سید هاشم، المطبعة العلمية، تهران، چاپ اول ۱۳۸۰ ق.
- فراهیدی، خلیل بن أحمد کتاب العین، نشر هجرت، قم، چاپ دوم ۱۴۰۹ ق.
- قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، دار الکتب الاسلامیة، تهران، چاپ ششم ۱۴۱۲ ق.
- کراجکی، محمد بن علی، کنز الفوائد تحقیق: نعمه، عبد الله، نشر دار الذخائر، قم، چاپ اول ۱۴۱۰ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق و تصحیح: دارالحدیث، نشر دار الحدیث، قم، چاپ اول ۱۴۲۹ ق.
- کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تحقیق: کاظم، محمد مؤسسه الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامی، تهران، چاپ اول ۱۴۱۰ ق.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تصحیح: رسولی محلاتی، سید هاشم، دار الکتب الإسلامیة، تهران، چاپ دوم ۱۴۰۴ ق.
- مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، نشر صدرا، تهران، چاپ سی و سوم ۱۳۸۵ ش.
- مفید محمد بن محمد بن نعمان، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، تصحیح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، نشر کنگره شیخ مفید قم، چاپ اول ۱۴۱۳ ق.
- مقریزی، تقی الدین، إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال و الأموال و الحفدة و المتاع، دار الکتب العلمیة، بیروت، چاپ اول ۱۴۲۰ ق

۷۰ سخن تاریخ / سال چهاردهم، شماره ۳۱، بهار و تابستان ۱۳۹۹

- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامیة، تهران، چاپ دهم ۱۳۷۱ ش.
- نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، چاپ اول ۱۴۰۸ ق.
- واقدی، محمد بن عمر الواقدی، کتاب المغازی، تحقیق مارسدن جونس، مؤسسه الأعلمی، بیروت، ط الثالثة ۱۴۰۹ ق.
- یونسکو، فرهنگ و توسعه رهیافت مردم‌شناختی توسعه، ترجمه: نعمت‌الله فاضلی، محمدصادق فاضلی، طبع و نشر، تهران، چاپ اول ۱۳۷۷.
- یعقوبی، احمد بن أبی یعقوب بن جعفر بن وهب واضح الکاتب العباسی، تاریخ الیعقوبی، دار صادر، بیروت، بی تا.

